Archive of SID

نشریّهٔ دانشکدهٔ ادبیّات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
دورهٔ جدید، شمارهٔ ۱۷(پیاپی ۱٤ )بهار ۸٤

# تشبیهات هنری در غزل سعدی* (علمی ـپژوهشی)

**دکتر یحیی طالبیان**
**دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان**
**هوشنگ محمّدی افشار**
**عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان**

## چکیده

یکی از راههای طبقه بندی تشبیه علاوه بر شیوه های متعارف، تقسیم تشبیه از دید اغراقهای هنری است که جدول آن هم با توجّه به استعداد و خلّاقیّت سخنوران قابل گسترش است. هدف هنرمند در این شگردهای بیانی، رهایی از افسردگی و کهنگی و رفع ابتذال از تشبیه و نوسازی آن است که موجب کشف افقهای بیکرانه در سخن و تصاویر مربوط بدان می شود.

در مقالهٔ حاضر،تشبیهات شیخ اجلّ سعدی درغزل از دید اغراقهای هنری،بررسی و براساس مبانی نظری تبیین شده است و مواضعی را که هنرمند از اصل نظریّه عدول کرده و به هنجار هنری و سبک شخصی خود دست یافته، بررسی نموده است.

* تاریخ دریافت مقاله :۸۳/۷/۲۲ تاریخ پذیرش نهایی مقاله:۸۴/۲/۱۳

www.SID.ir

Archive of SID



روش تحقیق دراین گفتار،کتابخانه ای است وبا بهره گیری از فنّ تحلیل و توصیف محتوا به نقد و تطبیق شواهد پرداخته و نتایج به دست آمده، طبقه بندی و ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:**غزل سعدی ،تشبیه ،تخییل و تخیّل ،عکس،مشروط،مضمر،اغراق هنری،تصویر،تناسی تشبیه.

## ۱- مقدّمه

برحدیث من و حسن تو نیفزاید کس
حد همین است سخندانی و زیبایی را (کلّیات / ۴۱۸)

افصح المتکلّمین سعدی شیرازی استاد مسلّم غزل و سرآمد سخنوران فارسی گوی است. در غزل که از هنرمندانه ترین انواع ادبی محسوب می گردد؛ گوی سبقت ازهمگنان ربوده است، تا آنجا که یکی از اصلی ترین معیارهای سخن عاشقانه را، غزل وی می‌دانند.سخن سعدی روشن،زلال وبدون تعقید و ابهام است واگر ابهامی به چشم می‌خورد؛یا از نوع ادبی و زیبا شناختی آن است، یا ریشه در ضعف حافظهٔ تاریخی وحکایت از عدم درک جامعه شناختی از روزگار وی دارد و یا کم ذوقی مخاطب موجب ابهام می شود وگرنه، زبان سعدی بویژه در غزل، شفّاف و سرشار از شورانگیزی و هیجان و امّید به زندگی و نیز جانپرور است. حتّی سایر اشعار نیز «ساده، لطیف، عاشقانه‌وآکنده‌ازاحساس‌وتجربهٔ شخصی»[۱]است و «غزلهای فارسی وی از یک عشق واقعی یا احساس عاشقانهٔ ناشی از شور و هیجان جوانی حکایت می کرد.»[۲]

غزل،شاعرانه ترین نوع ادبی به شمارمی رود ودر این نوع وقالب، هنرمندی آن کس مسلّم تر است که نخست چهرهٔ درونی سخن را شناخته باشد و احساسات انسان را که در زوایای ناشناختهٔ وجودش پنهان مانده‌وگاه رسوب‌کرده، به تصویر

www.SID.ir

Archive of SID



بکشد و بی پرده یا در هاله ای ازخیال انگیزی و شور عاشقانه، به زبان آورد. طبعاً هر چه شاعر در این زمینه تواناتر، تأثیر و نفوذ سخنش بر روان مخاطب یا خواننده و شنونده بیشتر است؛ تا بدانجا که موجب نشاط یا اندوه وی می‌شود یا او رابه وجد و تغییرحال وتهذیب درون وامی دارد.هر چندسخن اصیل‌وابتکاری‌تر باشد تأثیرش بیشتر و مرتبهٔ سحر و افسون آن بالاتر است.

سعدی درحوزهٔ غزل هم مانند سایر انواع ادبی مبتکر و از شائبهٔ تقلید صرف به دور است [۳] و اگر معانی اختراعی دیگران هم بعضاً در شعر وی وارد شده، با تغییر شکل ماهوی در عبارات شیرین و وزین و رسا بیان شده و از تقلید به درجهٔ ابداع (Creation )رسیده ودرصید معانی تازه هم از دیگران پیشی‌گرفته و با افسون سخن در روابط طبیعی‌بیان واندیشه های شاعرانه تصرّف کرده و سخنش به اختراع (invention )[۴] و سحر منجر شده است تا بدانجا که آگاهانه اقرار می کند در میدان فصاحت ،شهسواراین عرصه است و کسی به گرد او نرسیده است:

من در همه قولها فصیحم  در وصف شمایل تو، اخرس  (کلیات / ۶۵۲)

وی درمقولهٔ تشبیهات هنری، به ویژگیها وارزشهایی دست یافته است‌که درکتب بلاغی سنّتی پیش‌از او یا بدانها اشاره نشده یا کمتر بدان پرداخته شده است که در طول‌مقاله، بطوراجمال‌تبیین خواهد شد.

## ۲- بحث

## تشبیه و تخیّل

تشبیه را به«مانند نمودن‌چیزی به چیزی،درمعنایی به ادواتی خاص و بیان مشارکت دو چیز در وصفی از اوصاف به توسّط الفاظ مخصوص»[۵] تعریف کرده اند. و بهترین نوع تشبیه را آن دانسته اند که «صفات مشترک آن بیشتر باشد چنانکه یادآور نوعی اتّحاد گردد.» [۶] این اتّحاد مبتنی برکذب و ادّعاست . همان حقیقت

www.SID.ir

Archive of SID



ادّعایی یا این همانی که در نهایت منجر به تناسبی تشبیه و پرواز خیال در فضایی می شودکه حقیقی بنظر می رسد.

درمیان‌شگردهای بیانی، تشبیه نزدیکترین رابطه را با تخیل دارد و همهٔ شگردها و نیز زیورهای بدیعی از گذرگاه تشبیه که «فرمانروای اقلیم استعاره و تمثیل و ... [۷] است به تصویر عواطف‌و تجسّم خیال وارد می شوند. همچنین تشبیه از پایه های اصلی تخیّل است‌که جوهر و اساس شعر محسوب می شود و هر چه تخیّل هنری تروقوی تر،تأثیرآن بیشتر است وشاعرازگذرگاه تشبیه واستعاره و مجازوکنایه و برخی زیورهای بدیعی، تخیّل را قوّت می بخشد. «استادی و چیره دستی بسیاری از شاعران بزرگ مانند سعدی و فردوسی وحافظ بیشتر در ابداع تشبیهات نیست بلکه در توأم کردن تشبیهات‌عادی با روانی وانسجام صنایع دیگر است و این خود نوعی نوآوری و ابداع است.» [۸]بعنوان نمونه در این دو بیت:

خوان‌درویش‌به‌شیرینی‌وچربی‌بخورند　　سعدیاچرب‌زبانی‌کن‌وشیرین‌سخنی

(کلیات / ۶۳۸)

سعدیا گر بکند سیل فنا، خانهٔ عمر　　دل قوی‌دارکه‌بنیاد بقامحکم ازاوست

(همان/ ۷۸۸) [۹]

شاعر با آمیختن تشبیه (سیل فنا، خانهٔ عمر، بنیاد بقا) با استعاره و حسّ آمیزی (synaesthesia) و بیان پارادوکسی (oxymoron)و تقابل و تناسبهای بدیعی، تصاویررا شفّاف کرده وتخیّل(image) هم دراوج ونیروی تأثیر شعر به حدّ کمال است. ازآنجا که اساس تشبیه برکذب‌است، هرچه ادّعا در کذب بیشتر باشد؛ سخن به مبالغه واغراق نزدیکترو هنری‌ترمی گرددوموجب حیرت می‌شود؛زیرا: «متعجّب ساختن وحیرت آفرینی یکی از ویژگیهای عمدهٔ تشبیه است و از این جهت به همراهی اغراق با تشبیه بیشتر پی خواهیم برد.» [۱۰]

www.SID.ir

Archive of SID



## تشبیه از دیدگاه اغراق هنری در غزل سعدی

تشبیه را به اعتبار طرفین و وجه‌شبه وادات وذکر وحذف وتعدّد و ترکیب هر کدام و نیز به حسب قوّت و ضعف درمبالغه و اغراض و فواید آن، به اقسامی چند تقسیم وطبقه‌بندی‌کرده‌اندوبیشترین توجّه قدما به همین تقسیم بندیهای افراطی‌و ساختاری بوده است که گاه از دانش بیان خارج است و به علم بدیع سرایت و با آن تداخل کرده و با طول و تفصیل بررسی شده ، منجر به طبقه بندی و جدولهایی گشته که غالباً جز محدود ومغشوش کردن ذهن و ذوق متعلّمان،نتیجه ای در بر نداشته است. (۱۱) البتّه‌معدودنظریّه‌پردازانی‌چون«مبرّد»یا «ابن طباطبا»،ازجمله نخستین دانشمندانی هستندکه تشبیه را با دیدهنری نگریسته اند وآن را ازجهت صوری ومعنوی و شکل و هیأت و رنگ وصدا و... تقسیم کرده اند(۱۲) ،سپس عبدالقاهر جرجانی در «دلایل الاعجاز» و «اسرار البلاغه» و نیز سکاکی در «مفتاح العلوم» ،روانکاوانه به بحث و تحلیل دربارهٔ آن پرداخته اند.

با توجّه به آنچه گذشت،وظیفهٔ منتقد ادبی‌این است که علاوه برطبقه بندیهای کُلّی وکلیشه ای درتحقیق صورخیال هرهنرمند،به‌ویژگیهای فردی و شخصیّتی هم توجّه کندواز روی‌آثارهرهنرمند، به‌تحلیل وارزیابی بپردازد وارزشهای تازه کشف نماید. این شیوهٔ تحقیق ،حدّاقل دربارهٔ هنرمندان و شاعران صاحب سبک ضروری است وسعدی از آن گروه است.

اگر بخواهیم اقسام طبقه بندی تشبیه را بصورت‌کُلّی جمع بندی وخلاصه کنیم؛ می توان آنها را از سه دیدگاه قابل تقسیم دانست:

۱- از دید تعدّد و ترکیب ۲- از دید افراد و تقیید ۳- از دید اغراقهای هنری

مشهورترین تشبیهات هنری، «تشبیه عکس، تفضیل، مشروط و مضمر» هستند، که از قدیم مورد توجّه منتقدان بوده اند، البتّه «تشابه» و «اظهار مقصود» را هم باید

www.SID.ir

Archive of SID



اضافه کردکه نوعی‌خروج ازهنجار و ورود به‌حوزۀ اغراق و مبالغه هستند،این گونه تشبیهات دربرخی منابع معمولاً خارج ازچارچوبها وجدولهای متعارف بررسی شده اند و در برخی منابع هم یکی یا دو تا ذکر و به صورت کُلّی بررسی شده است.

هدف سخنور از آوردن این چنین تشبیهاتی، رفع ابتذال از «تشبیه قریب مبتذل» و نوسازی در تشبیه بوده است که با تصرّف شاعرانه و اشارۀ خاص و شرط و عکس، به منظور جلوگیری از رکود و انحطاط ادبی و به انگیزۀ تحرّک و پویایی و مبالغه درتشبیه‌آورده شده اند.با این وصف، هرچه درآثارشاعریادوره‌ای،اینگونه تشبیهات بیشتر به چشم بخورد؛ توانایی آن روزگار یا سخنور و هنرمند در تخیل وتصویر سازی بیشتراست.این روشهای بیان درحوزۀسبک عراقی در غزل سعدی ویژگیهای اختصاصی و شخصی خود را دارند که بررسی می شوند:

## ۱-۲- تشبیه تفضیل (برتری)

رادویانی از این تشبیه بعنوان «المرجوع عنه» نام می‌برد:«این چنان بود کی شاعر از تشبیه کرده باز ایستد و باز گرداند وچیزی ثابت کرده را نفی گرداند به قلب برسبیل‌مبالغت.[۱۳]شاعر پس ازتشبیه وهمانند کردن، مشبّه را بر مشبّهٌ به برتری می دهد، گویی به تشبیهی که کرده، قانع نیست ومی‌خواهد به وسیلۀ برتری دادن مشبّه برمشبّهٌ به، به هدف خودکه مبالغه است دست‌یابد و خود را خشنود سازد.[۱۴]

هرکه ماه ختن و سروروانت گوید  او هنوز از رخ و بالای تو صورت بینی است
(ب /۱۶)

سرو بالای منا گر به چمن برگذری  سرو بالای تو را سرو به بالا نرسد
(ب/۳۳)

شاعر در بیت نخست، نه تنها زیبایی صوری و حسن مه روبان مجلس را برتر از ماه می پندارد،که زیبایی معنوی و سیرت نیکوی محبوب را در نظر دارد. در بیت دوم،

www.SID.ir

Archive of SID



تنها زیبایی ظاهری و رسایی قامت مدّنظر است که آرایهٔ جناس هم به تأثیر خیال یاری رسانده است.همچنین در بیت ذیل جناس به خدمت تفضیل آمده است:

ساقی! بده آن‌کوزهٔ یاقوت روان‌را  یاقوت‌چه‌ارزد؟بده‌آن‌قوت‌روان‌را

(ب/۵)

**و در این بیت:**

آن خرمن گل، نه گل که باغ است  نه باغ ارم که باغ مینوست

(کلیات/۶۵۱)

در دو مصراع، دو برتری بیان کرده است که هردوعلاوه بر نو کردن تشبیه، مؤیّد تأکید و اغراق هنری نیز هستند.

گاه مقصودازتشبیه تفضیل،علاوه بر رفع ابتذال ونوآوری وآراستن وزنده کردن تشبیه، نوعی شرط هم هست، امّا:«آنچه تشبیه برتری را ازتشبیه شرطی جدا می‌کند؛ این است که در آن تشبیه، برتری مانند (مشبّه) بر مانسته (مشبّه به) به گونهٔ شرط در سخن آورده شده است. [۱۵] امّا در تشبیه تفضیل ذکر شرط ضروری نیست.

**تشبیه تفضیل با ادات شرط:**

نیشکر با همه شیرینی ، اگر لب بگشایی  پیش نطق شکرینت چونی انگشت بخاید

(ط/۱۷۵)

**بدون ادات، امّا در معنی شرطی:**

یارب که تو در بهشت باشی!  تا کس نکند نگاه در حور

(ط / ۱۸۴)

آفتاب و سرو غیرت می برند!  کافتابی سرو بالا می رود (ط /۱۷۰)

## ویژگیهای تشبیه تفضیل شعر سعدی:

www.SID.ir

Archive of SID



**۱-۱-۲-** سعدی با تشبیه بموقع، ژرفای اندیشه و نیروی تخیّل خویش را نمایـان می سازد ونه تنها با زیورهای بدیعی و تشبیه واستعاره، سخن را خیال انگیز می کند و خواننده را به تأمّل وا می دارد بلکه وی را وادار به مطالعه در مکتب سعدی و زمینه های علمی و فرهنگی وی می‌کند و از این رو به منشأ الهام و ژرف ساخت ذهنی شاعر که‌علم‌عاشقی‌برمبنای‌تصوّف‌وعرفان اهل سکر خراسان ومیراث جاودانهٔ حلّاج و با یزید است؛ پی برده و لذّت بیشتر می برد:

زاهدی‌برباد «الّا» مال‌ومنصب‌دادن‌است  عاشقی‌درششدر «لآ» کفروایمان باختن
(ب / ۶۵)

تونه مثل‌آفتابی‌که«حضوروغیبت» افتد  دگران روندوآیند وتوهمچنان‌که هستی
(ب/ ۷۲)

**۲-۱-۲-** در روابط طبیعی تشبیه ابتکار ایجاد می‌کند و این روابط به مناسبات غیر طبیعی‌مبدّل می شود.[۱۶]

نه تنها مشبّه را بر مشبّهٌ به ترجیح می دهد؛ بلکه همان خاصیّت طبیعی را نیز از آن سلب می نماید و جنبهٔ منفی و حدّاقل کم خاصیت و انفعالی( Passive) بدان نسبت می دهد و رابطهٔ طرفین، مبدّل به تضاد و تقابل می گردد:

به چشمهای تو کان چشم کز تو بر گیرند  دریغ باشد به ماه آسمان انداخت
(ب /۹)

سرو دراید زپای، گر تو بجنبی زجای  ماه بیفتد به زیر، گر تو برآیی به بام
(ط / ۲۰۱)

تو اگرچنین لطیف از در بوستان درآیی  گل‌سرخ شرم دارد که:چراهمی شکفتم؟
(ط/۲۰۴)

www.SID.ir

Archive of SID



چه نشینی ای قیامت؛ بنمای سرو قامت  به خلاق سرو بستان، که ندارد اعتدالی!
(ط/۲۶۶)

دگر آفتاب رویت منمای آسمان را  که قمر زشر مساوی بشکست چون هلالی
(ط/۲۶۷)

**تفضیل و عکس با هم:**

خورشید و گلت خوانم ، هم ترک ادب باشد
چرخ مه و خورشیدی، باغ گل و نسرینی (ط / ۲۷۶)

گل را مبرید پیش من نام  با حسن وجود آن گل اندام
(کلیات / ۶۵۵)

ای سرو به قامتش چه مانی  زیباست، ولی نه هر بلندی
(کلیات/۶۵۶)

**۳-۱-۲-** گاه با ایهام، تناسب ، تلمیح و اشاره به اطّلاعات دقیق نجومی و علمی و استعاره ها و تشبیهات اساطیری و حذفهای مخصوص که مبیّن بلاغت ویژهٔسعدی است؛ طرفین را در تقابل قرار می دهد و برتری مشبّهٌ به را اثبات می کند:

قیمت گل برود چون تو به گلزار آیی  وآب شیرین،چو تو درخنده وگفتار آیی
(ط / ۲۸۰)

روی تو، چه جای سحر بابل؟  موی تو، چه جای مار ضحّاک
(کلیات/۶۶۰)

ایّام را بهماهی یک شب هلال باشد  آن ماه دلستان را هر شب بود هلالی
(ب/۸۱)

خورشید که شاه آسمان است  در عرصهٔ حسن او پیاده....
(ط/۲۴۳)

www.SID.ir

Archive of SID



**۴-۱-۲-** بخش عمدهٔ تشبیهات تفضیل در غزل سعدی در برتری معشوق بر ماه و سرو و گل است که تشبیهات فرسوده ای به نظر می رسند و شیخ آنها را از ابتذال رهایی می بخشد و ساختار غالب تشبیهات، مقیّد ، مرکّب و تمثیل است:

بُلعجب باشد ازین‌خلق‌که رویت چومه‌نو
می‌نمایندبه انگشت وتوخودبدرتمامی!
(ط /۲۶۷)

نشنیده ام که ماهی، بر سر نهد کلاهی یا سرو با جوانان هرگـز رود به راهـی
سرو بلند بستان، با این همه لطافت هر روزش از گریبان سر بر نکرد ماهی
(ب / ۸۹)

به جای سرو بلند ، ایستاده بر لب جوی چرا نظـر نکنـی یـار سـرو بـالا را
(ط/۹۸)

در پـای لطافـت تـو میـراد هـر سـرو سهـی کـه بـر لب جوسـت
آن‌خرمن گل، نه‌گل،که باغ است نـه بـاغ ارم، کـه بـاغ مینوسـت
(کلیات/۶۵۱)....

## ۲-۲-تشبیه عکس:

از دیگر وسایل نو کردن تشبیه، «قلب»یا معکوس‌کردن آن است. این شگرد هنری، تشبیه را از عادی بودن و فسردگی و احتضار، رهایی می بخشد و خونی تازه در شریان خیال جاری می سازد و موجب «جور دیگر دیدن» و در نهایت تناسی تشبیه می شود. تشبیه عکس، بازسازی تخیّل و به نوعی دیگر نگرپستن و زندگی بخشی به اثر ادبی است و اگر عکس تشبیهی ممکن باشد؛ یعنی بتوان آن را وارون و باژگونه کرد [۱۷]؛ معانی به صورت اغراق آمیز ارائه شده و در این مورد است که وظیفهٔ اصلی تشبه مقلوب خودنمایی‌می‌کند[۱۸].اگر درتشبیه تفضیل، مشبّه برمشبّهٌ به

www.SID.ir

Archive of SID



برتری دارد و غرض عاید مشبّه می شود؛ در این نوع تشبیه، قصد بستگی به دید شاعر دارد که کدام طرف را اصل یا فرع قرار دهد و معمول آن است که مشبّهٌ به اعرف و اجلی از مشبّه باشد، امّا در تشبیه عکس،گاه مشبّه که فرع ومشکوک است؛ اصل فرض‌می‌شود«تشبیه به موجب همین ادّعا و زیاده روی وتناسی‌که شاعر دارد- در اینکه فرعی را اصل می پندارد- درست است.(۱۹) و بهترین نمونه ای که مکرّراً در کتب بلاغی آمده است؛ بیت محمّدبن و هیب حمیری است:

بدا الصَّباحُ کَأنَّ غُرَّتَهُ  وجهُ الخَلیفهٔ حینَ یمَتَدحُ(۲۰)

که شاعر روی و رخسار خلیفه را اصل قرار داده و مشهورتر از فروغ صبحگاهی قلمداد کرده است و با توجّه به دریافت ذهنی و پندار شاعرانه که غرض ادّعای رجحان و برتری چهرهٔ ممدوح بر روشنایی صبح است؛ تشبیه به اوج اغراق شاعرانه رسیده و موجب‌تناسی تشبیه هم گشته ومابین تشبیه واستعارهٔ مرشّحه در تردّد است. فایدهٔ این شیوه، به مشبّهٌ به برمی‌گردد وغرض هم عایدآن می شود وناقص در وجه شبه را به ادعای اتمیّت و اکملیّت مشبّهٌ به سازند (۲۱) و ابتکار و افسون شعری هم که مایهٔ ابداع و آفرینش اثری هنری است؛جلوه نمایی می کند و هر اندازه در این زمینه سحر کاری شاعر بیشتر باشد؛سبک شخصی وی ممتازتر می نماید:

به زیورها بیارایند وقتی خوبرویان را

تو سیمین تن‌چنان خوبی‌که زیورها بیارایی (۲۲)

(ط/۲۸۱)

## ویژگیهای تشبیه عکس شعر سعدی:

**۱-۲-۲-** خوش آهنگ ترین و زیباترین تشبیه عکس در غزل سعدی،آنجاست که طرفین در تقابل همه جانبه با یکدیگر قرار می گیرند. «گاهی شاعر با صید تضادها در حریم تصویر و عاطفه، موفقّ می شود که در عین نگاهداری وحدت

www.SID.ir

Archive of SID



کلّی و همزیستی جلوه های متضاد زیر و بمهاو موجهای معنی را پیاپی در دیدگاه خواننده قرار دهد و ازاین پویایی پیاپی،اهتزاز روح و نوازش خاطر را تدارک کند.» [۲۳] در پیوند تضادها وتصاویرپارادوکسی(متناقص نما) (Paradoxicalimages )است که‌ترکیب جدیدبا روح و بار عاطفی تازه آفریده می شود و دنیای نو رخ می نماید و تأثیر سخن و اغراق در تشبیه به کمال می رسد:

گل، با وجود او،چوگیاه است پیش‌گل، مه،پیش روی او،چوستاره است‌پیش ماه (ط/۲۴۲)

گل نسبتی ندارد، با روی دلفریبت تو در میان گلها، چون گل میان خاری (ط/۲۵۶)

**۲-۲-۲-** گاهی تصاویر متضاد همراه با تجاهل العارف، استفهام انکاری و تقریری به قصد برانگیختن تعجّب در اغراق آمیز جلوه دادن سخن به یاری خیال می آیند که در تأکید آن تأثیر تام دارند:

سالی وصال با او، یک روز بود گویی و اکنون در انتظارش روزی به قدر سالی (ب/۸۱)

ندانم این شب قدر است‌یا ستارهٔ روز! تویی برابر من،یا خیال در نظرم؟ (ط/۲۱۰)

سرو را قامت خوب است و قمر را رخ زیبا تو نه آنی و نه اینی، که هم این است و هم آنت (ق/۳۲۴)

پیشت به تواضع است گویی افتادن آفتاب بر خاک (کلیات/۶۶۰)

**۳-۲-۲-** بعضاً نه تنها ازادّعای برتری مشبهٌ به عدول می‌کند،که در برتری مشبّه تأکید هم می ورزد و فقط مشبّه را ذاتی و اصیل می پندارد و مشبّهٌ به را نه فرع ،که

www.SID.ir

Archive of SID



گاه نفی می‌کند وصفات وویژگیهایی هم که دارد؛ عرضی‌و وام گرفته از مشبّه می داند و این معنا را سعدی با زیورهای بدیعی توأم می کند تا شکل و هیأت خیالی آنها کاملتر شود:

بر بـود جمـالت ای مَـــهِ نـــو　　از مـــاه شـــب چهـــارده ضـــو

چون می گذری بگو به طاووس　　گر جلـــوه کنـــان روی چنیـــن رو

(کلیات/ ۶۶۰)

زرنگ لاله مرا روی دلبرآید یاد　　زشکل سبزه مرا یاد خط یار آید

(خ /۲۹۸)

حال درویش‌چنان است که خال تو سیاه　جسم‌دلریش‌چنان است‌که چشم‌تو سقیم

(خ/۳۰۸)

دراین روش بیانی،گاه اغراق هنری چنان قوی است‌که‌دیگرهمان مرز تقریباً نامرئی هم میان تشبیه عکس و تفضیل باقی نمی ماند.

**۴-۲-۲-** گاهی نیز خواننده و شنوندهٔ شعر در تمیز نوع تشبیه در می ماند و تنها لذّت هنری می برد.شاید بتوان گفت تفاوت اصلی تشبیه عکس با تفضیل در شکل ظاهری آن است و فصل ممیّزهٔ آن در تقابل صوری طرفین تشبیه است که باعث خیال انگیزی و مبالغه آمیز شدن تشبیه می گردد،امّادر نهایت،هدف این بیان هنری هم چون تفضیل، مشروط وضمنی‌مبالغه‌و ادّعای برتری است‌واین تشبیه در صورتی که ازپایه های ذوقی و هنری برخورداراباشد؛می تواند جنبهٔ خیالی موضوع را وسعت بیشتری دهد و« انتخاب یا قدرت بر خلق این مایه از اغراق کاری است که از عهدهٔ هر کسی بر نمی آید.» [۲۴] زیرا شاعر با این نوع بیان،اقدام به برجسته سازی و رستاخیز واژه ها (resurrection of the words) می‌کند ونیز ذهن را از هنجار عادی و روزمرّگی منحرف و متوجّه اهمیت اموری می سازد که کمتر بدانها

www.SID.ir

Archive of SID



عنایت شده است .در درجهٔ دوم وچندم قرار گرفته اند و باعث طراوت و تازگی سخن می‌گردد.جهانی نوآفریده می شود و«این شیوه از تشبیه،یکی ازراههای ساختن تصویر ذهنی و ارائهٔ غیر مستقیم اندیشه یا حس است.» (۲۵)

## نمونه های تشبیه عکس و تفضیل با هم:

- زلف او بر رخ چو جولان می کند　　مشک را در شهر ارزان می کند
جوهـریّ عقل، در بازار حســـــن　　قیمت لعلش به صد جان می کند
آفتاب حسن او تـــــا شعلـــه زد　　ماه، رخ درپرده پنهان می‌کند
(ق/۳۲۶)

تویی که گر بخرامد درخت قامت تو　　زرشک، سرو روان را به اهتراز آرد
(ق / ۳۲۵)

پایهٔ خورشید نیست پیش تو افروختن　　یا قدو بالای سرو پیش تو افراختن
(ط /۲۳۵)

نسخهٔ چشم و ابرویت، پیش نگارگر برم
گویمش: «این چنین بکن صورت قوس و مشتری»
(ط/۲۶۲)...

**۳-۲- تشبیه مشروط:**یا تشبیه شرطی، از دیگر شیوه های رهانیدن تشبیه از کهنگی و رنگ باختگی است که سخنور با پروردن مانند ه ،می تواند پندار شاعرانه را که بی فروغ و ناکارا شده است؛ به شیوه ای نوآیین در سخن بیاورد و بدان ، کمابیش، ارزشی زیبا شناختی ببخشد. (۲۶)

هدف این شگردبیانی‌هم اغراق درتشبیه است‌که سخنوربه شیوه‌ای پنهانی و پوشیده تراز تشبیه تفضیل وعکس در مبالغه تأکید می ورزد وعلّت آن نیز اینگونه است که خواننده و شنوندهٔ سخن‌دربادی امر،متوجّه اغراق وبرتری مشبّه برمشبّهٌ به نمی شود:

www.SID.ir

Archive of SID



اگر سروی به بالای تو باشد نباشد بر سر سرو آفتابی (ب/۷۲)

از نظر منطقیان «قیاس شرطی» همین شیوهٔ تشبیه است. (۲۷)

تشبیه مشروط، یک گام نزدیکتر از تفضیل به استعاره است، پس مبالغه در آن هم شدیدتر به نظر می رسد، در این شیوه، ذکر ادات «اگر» و اخوات آن جایز و لازم است ، امّا به نظر «تفتازانی» ، می توان به اعتباریا به سیاق کلام، ادوات را حذف کرد، چون قول خداونددر قرآن کریم: «تَمُرُّمَرَّ السحابِ» (۲۸)ونیز با سلب اوصاف برتر از مشبّهٌ به و اِسناد آنها به مشبّه، سیاق کلام را می توان شرطی کرد:

ماهت نتوان خواند بدین صورت وگفتار مه را لب و دندان شکر بار نباشد

و آن سرو که گویند به بالای تو بـاش هرگز به چنین قامت و رفتار نباشد

(ط/۱۵۲)

من مـــاه ندیـــده ام کلـــــه دار مــن سـرو ندیـــده ام قبـــاپـوش

(کلیات/۶۵۷)

سخنوری چون سعدی ،گاه با ابتکار و تصرّف شاعرانه، احکام عقلی را به احکام عاطفی بدل می نماید و در عین انسجام در کلّیّت شعر، «رجحان» و برتری مشبّه بر مشبّهٌ به را تأکید می کند. (۲۹)

اگر تو آب و گلی، همچنانکه سایر خلق گل بهشت مخمّر به آب حیوانی

(ط/۲۷۲)

نشنیده ام که ماهی، بر سر نهد کلاهی یاسَرو با جوانان، هرگز رود به راهـــی

سرو بلند بستان، با این همه لطافت هر روزش از گریبان ، سر بر نکرد ماهی

(ب/۸۸)

دراین ابیات تصرّف شاعرانه به منظور رفع ابتذال و نوسازی تشبیه قریب مبتذل از طریق شرط (۳۰) است که‌گاه با مقیّد و مرکّب ساختن تشبیه نیز همراه است و

www.SID.ir

Archive of SID



مفاهیمی به مشبّه افزوده می‌گرددکه از مصادیق آن کاسته و در نتیجه نادر و غریب و سرانجام بلیغ تر و اغراق آمیزتر جلوه می‌کند.پس از حیث ساختار، تشبیه مشروط از جنس‌تشبیهات مقیّدومرکّب است‌وازحیث معنا ومفهوم،از گونهٔ تشبیهات تفضیل و ازجنبهٔ خیال انگیزی با زیور بدیعی «اغراق» در یگانگی و پیوند تنگاتنگ است:

گرکسی سرو شنیده است‌که رفته است این است
یا صنوبر که بنا گوش و برش سیمین است
(ب/۱۴)

مــن سـرو را قبا نشنیدم دگـر که بست　　بر فــرق آفتــاب ندیـدم کــلاه را
(ط/۱۰۱)

با مدادش بین که چشم از خواب نوشین برکند
گر ندیدی سحر بابل در نگارستان چین
(ط/۲۴۰)

## ۴-۲-تشبیه مضمر یا ضمنی

تشبیه نهان را،عالی و غیر صریح هم می گویند. در این شیوهٔ بیانی، شاعر سخن را به گونه ای می آورد که انگار قصد تشبیه ندارد و موجب می گردد که ذهن شنونده به جستجو وکندوکاو بپردازد و در روابط کلام، تأمّل ودقّت بیشتر کند. در این نوسازی و تصرّف ،ساختار ظاهری طرفین تشبیه درشکل مشهور خود به کار گرفته نشده، آنچنان که گویی خواست سخنور، تشبیه نبوده است.[۳۱] بلکه تلمیح به مشبّه و مشبّهٌ به می شود و مشبّهٌ به همواره بعنوان برهان و دلیلی بر امکان اسناد مشبّه بدان است.متنبّی گوید:

من یَهُن یسهَلُ الهوانُ علیه　　مالِجُرحٍ بمیِّتٍ ایلامُ[۳۲]

سعدی تحت تأثیر این مضمون گوید:

www.SID.ir

Archive of SID



از ملامت چه غم خـــورَد سعـــــدی  مُـــرده از نیشتـــر مترسانـش(ط/۱۹۲)

سعدی از سرزنش خلق نترسید هیهات!  غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را

(ط/۱۰۱)

در ظاهر بیتها، هیأت معروف تشبیه رعایت نشده است؛ بلکه تشابهی که اقتضای تساوی می کند؛ به چشم می خورد.«تفتازانی»، هدف از این تشبیه را بیان حال مشبّه یا وصفی از اوصاف آن و تقریرحال و تقویت مشبّه در نفس سامع دانسته است که به وسیلهٔ حسّیات بیان شده است [۳۳] . منظور ازحسّیات وجه یا وجوه شبه است که در هیأت‌کلّی و«مقیّد ومرکّب» بیان می‌شود وغالباً تشبیه را به سمت«تمثیل» و سرانجام «استعارهٔ تمثیلیّه» و«اسلوب معادله»که نمایندهٔ سبک‌مشهور به هندی است؛ سوق می دهد:

من صبر بیش از این نتوانم ز روی او  چند احتمال کوه تواند بود کاه را

(ط/۱۰۱)

تا مست نباشی ، نبری بار غم یار؛  آری ! شتر مست کشد بارگران را

(ب / ۵)

گاه اهداف دیگر بیانی تشبیهات هنری دراین شیوه، مضمرو نهان است. یعنی شرط و تفضیل و عکس را درخود پنهان داردو از این روست که آن را تشبیه «عالی» که بلیغ ترین و موجزترین نوع تشبیه است نامیده اند. «اینگونه تشبیه، شاعرانه ترین مقولهٔ سخن ویکی از شکلهای خیالی غریب است که‌دستبرد تجربه ودقّت استعداد هنرمند را نشان می دهد و در همین مبحث نیز هست که باریک اندیشیهای بیش از حدّ دسترس دیگران، سبکهای خیالپردازانه ای در استعاره و کنایه و تمثیل و ایهام بوجود می آورد وشعررا از حالت طبیعی خود به درمی برد.»[۳۴] گاهی تشبیهات مضمر با تشبیه تفضیل‌همراه است و درصفتی ازصفات مشبّه به مشبّهٌ به برتری دارد.

www.SID.ir

Archive of SID



سعدی ،این شگرد را سهل‌وموجزهمراه با زیورهای‌خیال انگیز و اغراق آمیز بدیعی و بیانی از جمله تجاهل العارف که مبنای این نوع تشبیه است و ایهام و اِسنادهای مجازی بیان کرده است:

آن گوی معنبر است در جیب　　یـــا بـــوی دهـــان عنبـریـن بـــوی

(کلیات /۶۵۱)

تو را در بوستان باید که پیش سرو ننشینی

وگرنه باغبان گوید که: دیگر سرو ننشانم

(ط/۲۱۶)

شمع جانم را بکُشت آن بیوفا؛　　جای دیـگـر روشنـایـی مـی کـنـد

(ط/۱۶۳)

**تشبیه تلمیحی معشوق به ماه:**

باری، مگرت بر رخ جانان نظر افتاد　　سرگشته چو من در همه آفاق بگشتی

(ق /۳۳۵)

**تشبیه ضمنی خود به ذرّه و معشوق به خورشید:**

نه‌آن شب‌است که‌کس‌درمیان‌ما گنجد　　به‌خاک‌پای‌تو، گرذرّه‌درهوا گنجد

(ب/۲۸)

یا: ماه نتابدبه روز،چیست که درخانه تافت؟

سرو نروید به بام،کیست که‌بربام رفت؟

(ط/۱۳۸)

تقریباً همۀتشبیهات،مبیّن نوآوری و دوری ذهن از شائبۀ تقلید است و خاستگاه و منشأ الهام شاعر دراین تشبیهات،علاوه بر معانی متعارف و همگانی که آنها را نیز با

www.SID.ir

Archive of SID



دستکاری هنری ازفرسودگی نجات داده و بصورت شخصی جلوه گر ساخته است؛ غالباً برخاسته از تجربهٔ درونی، شخصیّتی و علمی وی است.

**اشاره به آداب تصوف:**

درگلستانی کان گلبن‌خندان بشکفت  سرو آزاد به یک پای غرامت برخاست

(ط/ ۱۱۲)

اشاره به‌سماع حاصل ازسرمستی وخطوراحوال بردل سالکان درتشبیه معشوق بـه‌فتنه گر: (اسناد مجازی ، فاعل به مصدر):

دی زمانی به تکلف برسعدی بنشست  فتنه‌بنشست چو برخاست، قیامت برخاست

(ط/۱۱۲)

**اشاره به آداب جنگ و یورش به دشمن:**

خود کرده بود غارت عشقش حوالی دل؛

بازم به یک شبیخون بر ملک اندرون زد

(ب/ ۳۲)

## ۳- نتیجه

براسا س آنچه‌گذشت؛ می‌توان چنین نتیجه گرفت که سعدی در تشبیه ،به آفرینش هنری ویژه دست زده و از آنجا که صاحب اسلوب شخصی است ، به تصاویر بیش و کم اختصاصی دست یافته است. در تشبیهات هنری وی، ویژگیهایی است که در آثار کمتر سخنوری دیده می شود و از مقاصدی که دربارهٔ این تشبیهات در منابع بلاغی آمده فراتر رفته است.

**در تشبیه تفضیل:**

۱- اززیورهای بدیعی یاری می‌جویدوخواننده را واداربه مطالعه در منابع الهام خود می کند.

www.SID.ir

Archive of SID



۲- درروابط طبیعی‌دوسوی تشبیه ابتکارایجاد وآنها را به‌مناسبات‌غیرطبیعی تبدیل می کند.

۳- گاهی مرز تشبیهات هنری دریکدیگر تداخل می‌کند.مثلاً تشبیه تفضیل با شرط و عکس‌وضمنی یکی‌می‌شود یا تفضیل‌با ضمنی دریک خط موازی قرار می گیرد.

**در تشبیه مقلوب**، معمولاً فرع را اصل قرار می دهد و موجب تناسی تشبیه می شود و آن را به مرز استعارهٔ مرشّحه نزدیک می‌کند. زیباترین تشبیه عکس آنجاست که طرفین در تقابل همه جانبه قرار می گیرند.

**تشبیه مشروط**،یک‌گام به‌استعاره نزدیکتراز تفضیل است، پس مبالغه درآن شدیدتر به نظر می رسد. زیباترین تشبیهات مشروط سعدی آنجاست که ادوات شرط از تشبیه و نیز اوصاف برتر از مشبّهٌ به سلب شده و به مشبّه اِسناد داده شده اند .

**غالب تشبیهات مضمر** سعدی در یک بیت شکل اسلوب معادله و استعارهٔ تمثیلیّه یا نزدیک به آن را دارند . اهداف دیگرتشبیهات هنری سعدی، غالباً در تشبیه مضمر پنهان است.

www.SID.ir

Archive of SID



## یادداشتها

۱و۲ - حدیت خوش سعدی، ص ۱۷.

۳- نیز بنگرید به: با کاروان حلّه ، ص ۲۵۵.

۴- نیز بنگریدبه : نقشبند سخن، ص ۱۱۰.

۵- معالم البلاغه، ص ۲۴۴. نیز: مختصر المعانی، ص ۱۸۷و اسرار البلاغه، ص ۵۰.

۶- صور خیال در شعر فارسی ، ص ۵۶.

۷- تعبیر از آقای دکتر تجلیل است . نیزنک: شماره ۴، ص ۲۴.

۸- صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی، ص ۵۸.

۹- بیتهایی که با «ب»، «ط»، «خ» و «ق» نشان گذاری شده و بدانها ارجاع داده شده است ؛ به تربیت اختصار. «بدایع»، «طیّبات»، «خواتیم» و «غزلیّات قدیم» هستند که از کتاب «غزلهای سعدی» ویرایش میرجلال الدّین کزّازی، نشر مرکز، ۱۳۷۶ طبق نسخهٔ محمدعلی فروغی، یادداشت برداری شده است.

۱۰- یحیی طالبیان، آمیختگی اغراق با شگردهای بیانی در شعر فردوسی، مجلّهٔدانشکدهٔ ادبیّات دانشگاه تهران، تابستان و پاییز ۱۳۸۰، ص ۲۰۷.

۱۱- قید، «غالباً» درباره مبتدیان خالی الذهن صادق است نه علمای نقد و بلاغت، همچنین طبقه بندی اگر علمی، جامع و مانع باشد وحدّ و رسم آن مشخص شود؛ نه تنها ذهن را محدود و سردرگم نمی کند که در شکوفایی ذوق و استعداد نیز مؤثّر است .نیز رک،یحیی طالبیان،«تعدّد وترکیب درتشبیه »،نشریّهٔ علمی- پژوهشی دانشکدهٔادبیات وعلوم انسانی دانشگاه اصفهان، شمارهٔ هشتم،زمستان ۱۳۷۵، صفحهٔ ۵۳ و نقشبند سخن، صص ۴۱ تا ۵۳.

۱۲- درویش الجندی، فن التشبیه،کتبه النهضه، الطبعه الاولی ۱۹۵۲ م ۷۶/۱ ، بدوی طبانه، علم البیان، مصر، مکتبه الانجلو ۱۹۶۷، م ص.

www.SID.ir

Archive of SID



۱۳- ترجمان البلاغه، ص ۵۱، نیز بنگرید به: المعجم فی معابیر اشعار العجم، ص ۳۵۴و مختصر المعانی، ص ۲۱۰ و هنجار گفتار، ص ۱۷۷. نقل نظر رادویانی تنها به علّت تقدّم درتألیف وتدوین نخستین اثر بلاغی به زبان فارسی است و گرنه تعریف مزیّت چندانی نسبت به تعاریف علمای بلاغی عربی ندارد ودیگر اینکه پس ا ز وی، غالب علماء از تأثیر ترجمان البلاغه به دور نبوده اند.

۱۴- نک: معانی و بیان، علوم مقدم و اشرف زاده، ص ۱۱۰.

۱۵- زیباشناسی سخن پارسی ، بیان، ص ۷۵.

۱۶- بنگرید به منبع شمارهٔ ۴، ص ۱۱۷.

۱۷- منبع شمارهٔ ۱۳،صص ۴۲ و ۴۴. المعجم، ص ۳۴۵، مختصر المعانی، ص ۲۱۰، نیزنک: النقدالادبی الحدیث، محمد غنیمی هلال، بیروت، دارالعوده، ۱۹۸۷، ص ۱۲۸.

۱۸- نک: منبع شماره ۶ ص ۷۰ ، نیز بنگرید: منبع شماره ۸ ص ۴۹.

۱۹- اسرار البلاغه، ص ۱۳۷.

۲۰- همان، ص ۱۳۸ ، نیزبنگرید: مختصر المعانی،ص ۲۵۴ و ازکتب متأخّر: جواهر البلاغه، ص ۲۷۶،معالم البلاغه ،ص ۲۶۷، البلاغة الواضحه،ص ۵۹، هنجار گفتار، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۲۱- نیزبنگرید: مختصر المعانی، ص ۲۱۰، البلاغةالواضحه، ص ۶۰ ، علوم البلاغه، ص ۸۵ ، تهذیب البلاغه: ص ۸۵ و هنجار گفتار، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۲۲- نظیر: «و اذا الدُّرُّ زانَ حُسنَ وُجوهٍ  کان لِلُدّرِ حسنُ وجهِک زیناً»
به‌نقل‌ازتاریخ‌جهانگشای‌جوینی،مصحَّحِ،مرحوم‌علامه‌قزوینی،ارغوان، ۱۳۷۰،ص ۱۴۸.

حافظ:

www.SID.ir

Archive of SID



گرغالیه خوشبوشد،درگیسوی‌اوپیچید

ور وسمه‌کمانکش‌گشت‌درابروی اوپیوست

(غزل ۲۷، طبع قزوینی)

۲۳- منبع شمارهٔ ۴، ص ۱۱۴.

۲۴- منبع شمارهٔ ۶، ص ۷۱.

۲۵- منبع شمارهٔ ۸، ص ۴۹.

۲۶- منبع شمارهٔ۱۵، ص ۷۴.

۲۷- بنگرید: ترجمان البلاغه، ص ۵۲.

۲۸- بنگرید: مختصر المعانی، ص ۲۱۱.

۲۹- بنگرید: دربارهٔ ادبیّات و نقد ادبی، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۴۴۷.

۳۰- بنگرید:معانی وبیان «یادداشتهای جلال الدّین همایی»، ص ۱۶۳، هنجارگفتار، ص ۱۷۶، معالم البلاغه ،ص ۲۸۱.

۳۱- شمارهٔ ۱۵،ص ۷۶.

۳۲- جواهرالبلاغه فی المعانی والبیان والبدیع،ص۳۷۴،نیز بنگرید: البلاغة الواضحه، ص ۴۷، المعجم، ص ۳۵۳، علوم البلاغه، ص ۸۴، هنجارگفتار، ص ۱۷۷، معانی و بیان همایی،ص ۱۵۸،بیت متنبّی که شیخ اجلّ ازآن متأثّر است؛درگفته های ارسطو یافت می‌شود:«النَفسُ الذلیلهُ لا تجِدُ ألمَ الهوانِ...»بنگرید به: مقالهٔ «متنبّی وسعدی» ، کتاب دومین‌بیست‌گفتار،دکترمهدی محقق،انتشارات دانشگاه مک گیل‌کانادا شعبهٔ‌تهران، ۱۳۶۹، ص ۹۱.

۳۳- منبع شمارهٔ ۲۸، ص ۲۰۲.

۳۴- بیان درشعر فارسی ،ص ۵۰

www.SID.ir

Archive of SID



## منابع و مآخذ


۱- تفتازانی.(۱۳۷۶). **مختصر المعانی**. م، قم:دارالفکر.

۲- تجلیل، جلیل.(۱۳۶۸). **نقشبند سخن**. چاپ اوّل. تهران:نشر اشراقیّه.

۳-تقوی،سیدنصرالله.(۱۳۶۳).**هنجار گفتار**.چاپ‌دوم.اصفهان:فرهنگسرای اصفهان.

۴- ثروتیان،بهروز.(۱۳۶۹). **بیان درشعرفارسی**.چاپ اوّل. تهران: انتشارات برگ.

۵-الجارم،علی‌وامین، مصطفی. (۱۴۱۴) . **البلاغة الواضحه، الطبعة الرابع**.قم: دارالثّقافه.

۶- جرجانی، عبدالقاهر.(۱۳۷۴).**اسرار البلاغه**.چاپ چهارم. ترجمه تجلیل، جلیل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۷- جرجانی،عبدالقاهر.(۱۳۶۸). **دلائل الاعجاز.** ترجمه رادمنش،سیّد محمّد. مشهد: مؤسّسهٔ انتشارات آستان قدس رضوی.

۸- الرادویانی، محمّدبن عمر.(۱۳۶۲). به تصحیح واهتمام آتش، احمد. چاپ دوم.**ترجمان البلاغه**. تهران: انتشارات اساطیر.

۹- رازی، شمس قیس.(۱۳۶۰) .**المعجم فی‌معاییر اشعار العجم**.چاپ سوم. تصحیح، قزوینی، محمّدبن عبدالوهّاب. تهران: کتابفروشی زوّار.

۱۰- رجایی،محمّدخلیل.(۱۳۷۲).**معالم‌البلاغه**.چاپ‌سوم.شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

۱۱- زرّین‌کوب،عبدالحسین.(۱۳۷۰). **با کاروان‌حلّه**.چاپ ششم. تهران: انتشارات علمی.


www.SID.ir

Archive of SID



۱۲- _____ .(۱۳۷۹).**حدیث خوش سعدی** . چاپ اوّل. تهران: انتشارات سخن.

۱۳- شفیعی کدکنی، محمّدرضا.(۱۳۷۰).**صور خیال در شعر فارسی**. چاپ چهارم.تهران: انتشارات آگاه.

۱۴- _____.(۱۳۷۰). **موسیقی شعر**. چاپ سوم. تهران: انتشارات آگاه.

۱۵- شمیسا، سیروس.(۱۳۷۲). **بیان**. چاپ سوم. تهران: انتشارات فردوس و مجید.

۱۶- طالبیان، یحیی.(۱۳۷۸).**صور خیال‌در شعر شاعران سبک خراسانی**.چاپ اوّل. کرمان: موسّسهٔ انتشاراتی و فرهنگی عماد کرمانی.

۱۷- علوی مقدّم،محمّدواشرف زاده،رضا.(۱۳۷۹).**معانی‌و بیان**. چاپ دوم.تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت ).

۱۸- میرجلال‌الدّین کزّازی.(۱۳۷۱).**غزلهای سعدی**. چاپ اوّل. تهران: نشر مرکز.

۱۹- غلائینی،مصطفی.(۱۳۷۲). **علوم البلاغه**. چاپ اوّل. مرکز نشر فرهنگی رجاء.

۲۰- فضلی، الدّکتورعبدالهادی.(۱۳۷۷).**تهذیب البلاغه**. چاپ هشتم. ۴۱۸ ه - ق، المجمع العلمیّ الاسلامی.

۲۱- کزّازی،میرجلال الدّین. (۱۳۶۱).**زیبا شناسی سخن پارسی (۱).بیان**. چاپ اوّل. تهران: نشر مرکز.

۲۲- فروغی، محمدعلی .(۱۳۶۳).**کلّیّات سعدی**.چاپ پنجم.تهران: انتشارات امیرکبیر.

www.SID.ir

Archive of SID



۲۳- المرغینانی، ابوالحسن نصر بن الحسن.(بی تا). **محاسن الکلام فی النظم و النّثر.** به تصحیح و اهتمام فشارکی. محمّد. اصفهان: فرهنگسرای اصفهان.

۲۴- الهاشمی، السیّد احمد. (بی تا).**جواهر البلاغه**. قم: مرکز النّشر مکتب الاعلام الاسلامی.

۲۵- همایی،جلال الدّین.(۱۳۷۳).**یادداشتها**.چاپ دوم. به‌کوشش ماهدخت با نوهمایی. تهران: موسسه نشر هما.

## نشریات:

۱- طالبیان، یحیی (تابستان و پائیز ۱۳۸۰). آمیختگی اغراق با شگردهای بیانی در شعر فردوسی. مجلّهٔ علمی پژوهشی دانشکدهٔ ادبیّات دانشگاه تهران دورهٔ ۴۷-۴۶ ، شماره های ۱۵۹-۱۵۸ ، صص ۲۰۵.

www.SID.ir

Archive of SID



www.SID.ir